

غدير و حضور آن در آینده تاریخ

اصغر طاهرزاده

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

پیامبر خدا ﷺ در سال آخر عمر خود در حجه‌الوداع ابتدا در سرزمین منی پس از تذکرات لازم در آخر خطبه خود فرمودند: «... إِنِّي قَدْ خَلَفْتُ فِيكُمْ مَا إِنْ تَمَسَّكُمْ بِهِ لَنْ تَضِلُّوا، كِتَابَ اللَّهِ وَعِثْرَتِي أَهْلَ بَيْتِي. أَلَا هَلْ بَلَّغْتُ؟ قَالُوا: نَعَمْ! قَالَ: اللَّهُمَّ أَشْهَدُ!»^۱ یعنی؛ من در میان شما چیزهایی را به ودیعت گذارده‌ام که اگر به آن‌ها تمسک جویند هیچ گاه گمراه نخواهید شد؛ یکی کتاب خدا و دیگری عترت من که اهل بیت من می‌باشند. آیا رساندم آن چه باید برسانم؟ گفتند: آری! آن گاه حضرت فرمودند: خداوندا شاهد باشد.

ملاحظه می‌فرمایید حضرت در فرمایش فوق تا نزدیکی‌های مسأله معرفی علی عليه السلام آمده‌اند، ولی تصریح نمی‌کنند. و این نشان می‌دهد که مأموریتی به عهده آن حضرت بوده که هنوز زمینه ابراز آن را فراهم نمی‌بینند، تا این که خداوند دستور می‌دهد:

۱ - تاریخ یعقوبی، مجالس شیخ مفید، طبع نجف، ص ۱۰۰، نقل از کتاب امام‌شناسی ج ۶

«يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ»^۲

یعنی؛ ای پیامبر! آنچه به تو رسیده است را عمل کن، و اگر این کار را انجام ندهی، رسالت خدای خود را انجام نداده‌ای، و خداوند تو را از خطراتی که مردم پیش می‌آورند حفظ می‌کنند و نمی‌گذارد نقشه کافران به نتیجه برسد. و پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بنا به این دستور در محل غدیر علی الْكَلْبَاءِ را بدین شکل به مسلمانان معرفی نمود.

«مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ، اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ، وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ، وَأَنْصُرْ مَنْ نَصَرَهُ وَخُذْ مَنْ خَذَلَهُ» یعنی؛ هر کس را که من سرپرست او هستم پس علی هم سرپرست اوست. خداوندا! ولایت کسی را بر عهده بگیر که او ولایت علی را بر عهده دارد و دشمن باش کسی را که علی را دشمن دارد، و یاری کن کسی که علی را یاری کند، و یاور مباش کسی را که علی را یاری نکند.

و پس از آن آیه نازل شد؛ «...الْيَوْمَ يَتَسَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنَ الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا»^۳ یعنی؛ امروز دیگر کافران از دین شما مأیوس شدند پس دیگر از آن‌ها نگران نباشید و از من بترسید، امروز دین شما را برای

۲- سوره مائده، آیه ۶۷.

۳- سوره مائده، آیه ۳.

شما کامل گرداندم و نعمت خود را بر شما تمام کردم و راضی شدم که چنین اسلامی دین شما باشد.

ابوسعید خُدَری می گوید: به خدا سوگند که هنوز از زمین غدیر حرکت نکرده بودیم که آیه «...الْيَوْمَ يَتَسَّأَلُ الَّذِينَ كَفَرُوا...» نازل شد.

غدیر به معنی حاکمیت امام معصوم در ادامهٔ اسلام به دستور خدا در ۱۸ ذیحجه سال ۱۰ هجری بنیان گذاری شد ولی جریانی قدرتمند و با برنامه ریزی به ظاهر همه جانبه^۴ به زعم خود، غدیر را در سقیفه دفن کرد و نه تنها علی علیه السلام را از صحنهٔ تصمیم گیری جامعه خارج نمود، جریان اموی با مدیریت معاویه بیش از صدسال جهان اسلام را مجبور کرد تا آن حضرت را لعنت کنند، و هر کس را احتمال می دادند شیعهٔ علی علیه السلام است می کشتند، تا هیچ جای پای در تاریخ اسلام از آن حضرت نماند زیرا نگران حضور علی علیه السلام و غدیر در آیندهٔ تاریخ بودند، ولی با این همه غدیر در نهضت حسین علیه السلام به صحنه آمد، و باز فرهنگ سقیفه نه تنها حسین علیه السلام را که متذکر برگشت به غدیر بود، شهید کردند، بر جسد مبارک آن حضرت اسبها تازاندند تا حتی بدن او نماند، چون نگران حضور غدیر در آیندهٔ تاریخ بودند.

۴- جریان صحیفه در بحار، ج ۸، ص ۳۳ و شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۴، ص ۴۵۴:

که پس از ماجرای غدیر خم گروهی به این نتیجه رسیدند که پس از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله با تمام قدرت بر ضد حکومت علی علیه السلام مبارزه کنند و پیمان نامه‌ای با امضاء ۳۴ نفر تهیه و آن را به ابوعبیده جراح دادند که محمد صلی الله علیه و آله رسالت خود را انجام داد و کسی را جانشین قرار نداد و اختیار حکومت را به عهده ملت گذارد تا رهبری ملت موروثی نشود...».

ولی همواره حضور غدیر با روش خاص ائمه علیهم السلام و به صورت‌های مختلف در تاریخ ادامه یافت و مکتب امام صادق ۴۰۰۰ دانشمند صاحب‌نظر در امور اسلامی تربیت نمود و حضور غدیر را در تاریخ به نمایش گذارد، و باز عباسیان بدتر از اُمویان امام کاظم علیه السلام را گرفتار زندان‌های طویل‌المدت کردند، تا غدیر نماند، ولی بنا به وعده خداوند غدیر همواره جای خود را در تاریخ می‌گشاید و جلو می‌رود، به طوری که مأمون خلیفه حیل‌گر عباسی مجبور می‌شود فرزند غدیر یعنی امام رضا علیه السلام را به عنوان ولیعهد خود تعیین کند تا از فشار شیعیان آسوده بماند، ولی باز مجبور شدند برای دفن غدیر، به حضرت علیه السلام زهر بخورانند و بقیه امامان بعد از حضرت رضا علیه السلام را در حصر نگه دارند، به امید آن که برای همیشه غدیر را از صحنه تاریخ خارج کرده باشند، که ناگهان در پهنه امپراطوری عثمانی نه تنها صدای شیعه بلندتر از قبل به گوش‌ها رسید، بلکه با ظهور سلسله صفویه دولت شیعه پا به عرصه تاریخ گذاشت و باز دولت عثمانی از طریق نادرشاه خواست رسمیت تشیع را در کشور ایران نفی کند ولی ملت ایران نادرشاه را نفی کرد و عنوان «سردار ملی» او را به «فاجعه ملی» تغییر دادند، و باز غدیر خود را ادامه داد تا در نظام مشروطه نه تنها دیگر شاه‌عباس صفوی نیست که به فقیه اجازه حکم بدهد، بلکه طبق قانون اساسی مشروطه، فقه آل محمد علیهم السلام است که باید حقانیت قوانین مجلس شورای ملی را تأیید کند. و باز خواستند از طریق رضاخان حرکت غدیر را نفی نمایند، ولی باز غدیر؛ تاریخ را شکافت و انقلاب اسلامی به صحنه آمد، حالا در انقلاب اسلامی دیگر نه تنها شاه‌عباس نیست که به

فقیه اجازه حکم دادن می‌دهد، بلکه مثل انقلاب مشروطه هم نیست که پادشاه کنار مجلس باشد و بخواهد در قوانینی که مجتهدان تأیید می‌کنند دخل و تصرف کند، بلکه حالا فقه آل محمد علیهم‌السلام یعنی ولی فقیه؛ حکم ریاست جمهور را تنفیذ می‌کند، و با انقلاب اسلامی سیر تاریخی غدیر در زمان غیبت به تمامیت خود رسید و یک قدم دیگر به تحقق کامل غدیر باقی نمانده است و آن ظهور وجود مقدس امام معصوم یعنی حضرت مهدی علیه‌السلام بر رأس امور است، و عملی شدن قول رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به فاطمه علیها‌السلام که فرمود: نگران مباش مهدی این امت از فرزندان تو است. یعنی نهایت اسلام با فکری که تو شروع کردی شکل می‌گیرد.

حال در چنین شرایط تاریخی اگر جایگاه خود را بشناسیم متوجه می‌شویم که باید با حضور همه‌جانبه اسلام وارد صحنه شد و قدرت اسلام را در همه ابعاد تربیتی، سیاسی و اقتصادی به میان آورد. دیگر زمانه از اسلام انتظار نقش آفرینی بزرگ‌تری را می‌طلبد، چرا که به واقع در شرایط تاریخی معاصر، اسلام تأثیرگذاری به صحنه آمده است تا در صحنه «نفی ظلمات غرب» و «اثبات نور اسلام» نقش آفرینی کند.

امروز تمدن‌زایی شیعه شروع شده است و خط اصلی مجاهدان جنگ بدر، فارغ از جو سازی خط نفاق و مسلمانان سست ایمان، جلو می‌رود. خداوند در چنین شرایطی به ما می‌فرماید: نه تنها از انبوه جبهه کفر ترسی به خود را ندهید^۵ بلکه می‌فرماید: جو نفاق و سست‌ایمانان داخلی را نیز به

۵- «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا لَقِيتُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا زَحْفًا فَلَا تُولُوهُمُ الْأَدْبَارَ»، سوره انفال، آیه ۱۵.

چیزی نگیرید^۶ زیرا که جریان بدر و غدیر دارد تاریخ را می شکافد و جلو می رود، مواظب باشید از رسالت تاریخی خود باز ننماید و از قافله بدریون و حماسه سازانِ غدیر عقب ننماید.

چند نکته

۱- روش حفظ غدیر که ائمه معصومین علیهم السلام آن را دنبال می کردند، دارای دو مشخصه است: یکی تسلیم نشدن و تأیید نکردن فرهنگ ظلمانی ای که می خواهد غدیر را در دل تاریخ دفن کند، و دیگر مقابله تند نکردن با سایر مسلمانان تا جامعه اسلامی دچار اختلاف داخلی نشود. این راهی است که فرزندان غدیر جلوی پای شیعیان نشان گذاردند تا در طول تاریخ، شیعیان از غدیر بهره مند شوند و در روزمرگی های دوران ظلمات استحاله نگردند و هم بتوانند در بلوغ تاریخ، غدیر را با تمامیت خود ظاهر گردانند. و لذا است که امیرالمؤمنین علیه السلام می فرماید: «فَصَبْرَتْ وَ فِي الْعَيْنِ قَدَى، وَ فِي الْحَلْقِ شَجَى»^۷ یعنی؛ صبر کردم در حالی که در چشمم خار بود (نمی توانستم برهم بزنم و آنچه می گذرد را نبینم) و در حلقم تیغ بود (نمی توانستم فریاد بزنم).

۲- شرایط تاریخی امروز ما شرایطی است که زمینه ظهور هر چه بیشتر غدیر به عنوان تنها راه نجات مسلمین فراهم شده است و لذا نه تنها باید از

۶- «إِذْ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ غَرَّ هَوَاهُ دِينُهُمْ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ» سوره انفال، آیه ۴۹.

۷- خطبه ۳ نهج البلاغه.

مهلهکه اختلاف بین شیعه و سنی عبور کرد، بلکه شیعه به کمک پیام غدیر مسئولیت ارتقاء تمام جهان اسلام را به سوی تمدن بزرگ اسلامی بر عهده دارد و باید شرایط بازخوانی مسأله صدر اسلام را برای جوانان اهل سنت فراهم کند تا آن‌ها نیز به جای داشتن اسلام منفعل از جهان استکباری، به اسلام تأثیرگذار و نقش آفرین در جهان امروز بگردند. و لذا ابتدا شیعه باید غدیر را در شرایط جدید بازخوانی کند.

آری! غدیر؛ برنامه خدا است برای تکمیل اسلام، پس یا باید بر اساس غدیر، یا علی علیه السلام بر مسند حاکمیت جامعه باشد، و یا وفاداران به غدیر همواره باید در انتظار چنین حاکمیتی تلاش کنند، تا خود را از اضمحلال و استحاله و آلوده شدن به ظلمات تاریخ نجات دهند و بتوانند همواره در جنبه مثبت تاریخ زندگی کنند. اگر فاطمه علیها السلام به نفی غدیر پس از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله اعتراض نکرده بود او و همه وفاداران به او در جنبه ظلمات تاریخ واقع می شدند، و اگر علی علیه السلام هم به تحریک ابوسفیان در آن شرایط دست به شمشیر برده بود امید تحقق غدیر در آینده تاریخ و در آخرالزمان از بین می رفت. پس ادامه غدیر یعنی ادامه راه به روش فاطمه و علی علیهما السلام.

«والسلام علیکم و رحمة الله و بركاته»